

اینکه خودمان چه تغییری می‌کنیم و چه تغییری می‌دهیم اهمیت دارد. سومین کار بزرگی که دانشگاهی‌ها می‌توانند انجام دهند این است که پوستی(نقشی) در بازی داشته باشند و مسئولیتی برای تغییر برعهده بگیرند. اگر قرار باشد دائم به دیگران گوشزد کنیم و خودمان راه قبلی را برویم و همان آدم قبلی باشیم، ما نیز مسئول فاجعه‌ای که پیش رو خواهد بود، هستیم. منفعت‌طلبی‌های فردی موقتاً باید غیرفعال شوند و به فکر این باشیم که جامعه در حال فاجعه را چطور تغییر دهیم. نکته چهارم دیدن ظرفیت‌های نهادی در جامعه است و ما باید اینها را ببینیم و باید نهاد دولت را قدرتمندتر کنیم. در جریان جنگ دوازده روزه اتفاقاتی افتاد که ما ندیدیم، کارهایی که از دل همین بوروکراسی دولت به عنوان قوه مجریه و نه حکومت رخ داد. برای مثال در روز سوم جنگ آقای پزشکیان بخشنامه‌ای به استانداران و وزرا داد و اختیارات خود را به استانداران و وزرا تفویض کرد. شصت سال بود که این آرزوی ملی ایرانیان بود تا تمرکززدایی شود و این اتفاق در حد یک انقلاب در حکمرانی بود و کمک کرد خیلی از امور تسهیل شود و با وجود جنگ و بمباران‌ها نظام خدمات‌رسانی کشور فلج نشد. بخش عظیمی از این اتفاق به دلیل مسئولیتی بود که به استانداران سپرده شد و آنها می‌توانستند تصمیم بگیرند. آن کسی که این ایده را به آقای پزشکیان داد قطعاً یک آدم ایران‌دوست بوده است و کار بزرگی را انجام داد. در ایران از این دست آدم‌ها داریم و هر کسی باید در این موقعیتی که داریم یک مسئولیتی را بپذیرد و اینگونه نباشد که فکر کند تنها منتقد است. ما با وجود اختلافاتی که با حکومت داریم، باید به نهاد دولت هم کمک کنیم و تکلیف دولت را که سامان اجتماعی است از این اختلاف‌ها جدا کنیم. این مسئولیتی است که برگردن به‌ویژه بخش تحصیلکرده ایران است و اگر در ماه‌های آینده کوتاهی کنند به کشور خیانت می‌کنند. در این شرایط باید دانش تکنیکی، فنی و گفتمانی را بسیار گسترش داد و روشنفکران شجاع‌تر از گذشته مطالبات فکری و سیاسی را بیان کنند و راوی آن باشند. هر چقدر که دولت تقویت شود ما بهتر می‌توانیم در برابر حاکمیت صحبت کنیم و مطالبه‌گر باشیم. در کتاب «خرد ایرانی و برآمدن دولت مدرن»، نویسنده در این کتاب با مرور تاریخ ذکر می‌کند که هیچ‌وقت در تاریخ ایران رهبران سیاسی نماینده خرد ایرانی نبودند. اما سه گروه نماینده عقل و خرد ایرانی بودند، یک گروه شاعران هستند، گروه دوم عالمان چه دینی و چه غیردینی و سوم وزیران هستند. اینها نماینده خرد هستند و نباید از رهبران انتظار چندانی داشت، اما از این گروه‌ها چرا.



تکیس:ایرنا

مطرح و تحلیل کند و پیوسته این ظرفیت را گوشزد کند که از آن به صورت درست و بهینه استفاده شود و این وضعیت را به عنوان یک فرصت مغتنم دریابد و مطرح کند. خوشبختانه الان اقتصاددان‌ها، این موضوع را مطرح کرده‌اند و مجموعه‌های دیگر نیز این پتانسیل و ظرفیتی که مطرح شده در جهت کاستن فاصله‌ای که وجود دارد به آن واقف هستند و در جهت فهماندن این مسئله هستند. واقعاً این چند روز نشان داد که ما به لحاظ کشور، تنهاترین کشور هستیم و چیزی که داریم تا به آن اتکا کنیم، ملت ما است. با این ظرفیت و پتانسیلی که وجود دارد چگونه مجموعه‌های حاکمیتی بیایند و در خدمت این ملت قرار بگیرند. متقابلاً ملت هم که اثبات کرده چقدر هوشمند است و در آن دوران نیز نشان داد که دنبال هوجپی‌گری در پی تغییر نیست، بلکه به دنبال کمک است و این کمک و نیرو را به نوعی به نفع خود و نسل‌های آینده قرار می‌دهد. اینها مواردی است که باید درباره آن صحبت کرد و مورد تحلیل و بررسی قرار داد و در ابعاد و جنبه‌های مختلف آن را دید و فهم کرد. این روزها امید داریم که در چار چوب اصالت و چیزی که جزو تعهد خود می‌دانیم، در راستای تقویت، بازسازی و یا احیای همبستگی که حاصل شده است تلاش شود. طبیعتاً در این راستا هم رویکرد گفت‌وتمان‌سازی اهمیت دارد و هم نگاه تبیینی و تحلیلی مهم است و هم سیاست مهم است و هم دعوتی که از مجموعه‌ها و نیروهای مختلف باید صورت بگیرد. چیزی که در این بین اهمیت دارد و می‌تواند مسئله شکاف را کاهش دهد مجموعه‌هایی است که به صورت افقی و شبکه‌ای می‌توانند تعریض بیشتری پیدا کنند و این جامعه را مجدداً احیا و از حالت انفعال خارج کنند.

باید صدای رادیکال‌ها و تندروها مدیریت شود



مقصود فراستخواه

جامعه‌شناس و پژوهشگر علوم انسانی

من در کاربرد واژه «پساجنگ» تردید دارم، چراکه ما نه در دوره جنگ و نه پساجنگ هستیم و توقف جنگ آسیب‌پذیر است. کشور ما در یک وضعیت بسیار پرمخاطره قرار دارد و به این همبستگی که اتفاق افتاده هم نباید خوشبینانه نگاه کنیم. این همبستگی با همه تکرهایی که داشته، اما عقلانیت ایران و یک دانش و آگاهی تاریخی مردم ایران است که در پشت آن است و این خرد اجتماعی و عقل اجتماعی در جامعه هست. ما ۲۰ میلیون تحصیلکرده عالیه در ایران داریم و نسبت به ابتدای انقلاب متوسط سواد مردم براساس شاخص یونسکو پنج برابر شده است. تغییرات نسلی و گروه‌های جدید اجتماعی هم ایجاد شده و این تغییرات دموگرافیک جامعه به وضعیتی رسیده است که پشتوانه عقل تاریخی مردم است. در نتیجه این اتفاق مسئله جدیدی نبوده است، در سال ۷۶ عقل مردم کار می‌کرد، حتی در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ و در انتخابات ۹۲ و ۹۶ این خرد کار می‌کرد. در اعتراضات سال ۹۶ مردم به نوعی همدل بودند، اما دیدگاه خاص خودشان را نیز در تغییر ایران داشتند؛ یعنی یک مراقبت‌هایی از این سرزمین داشتند که چطور این تغییر رخ دهد اما با معترضین و مشکلاتی که داشتند نیز به شدت همدل بودند و با وجود آنکه تغییر سیاست را می‌خواستند اما ملاحظاتی هم داشتند. به تعبیر قائم‌مقام مردم قانون حساب دارند. این خصیصه ضمنی در ایران وجود دارد، یک خصیصه ادراکی و شناختی هم هست. همین که با وجود اعتراض به حکومت، خرد تاریخی مردم می‌داند که این ساختار ما را به سمت نابودی می‌برد، و واقعاً مردم ضعف شدید این ساختار را مطمئن هستند و تغییر را می‌خواهند اما اینگونه هم نیست که اسرائیل حمله بکند و بعد اینها بریزند و کشور را به باد فنا دهند. مردم می‌فهمند و عقل سلیمی در جامعه وجود دارد که سرمایه بسیار بزرگی است.

اما از نظر من، در این جنگ سرمایه اجتماعی

عمودی یک مقدار بیشتر هم دچار فرسایش شد، اصلاً وضع بهتر نشده است و مردم تنها سعی کردند از این کشور دفاع کنند. وگرنه اعتماد مردم نسبت به آسمان ایران کمتر شده است. نسبت به سیاست‌های ملی و نسبت به آینده کمتر شده است و با این شرایطی که پیش می‌رویم مطمئناً سرمایه‌های اجتماعی خیلی بیشتر نیز دچار فرسایش می‌شوند.

در کنار این سرمایه عقلانیت اجتماعی که

نمی‌توانیم از آن بهره بگیریم، یک سرمایه دیگر هم

انباشت پیدا کرده است که آن ظرفیت میانی جامعه

است. در این دوازده روز، دولت به معنای ارائه خدمات

از هم نپاشید و این نتیجه حضور کارشناسان و مدیرانی

است که بخشی از این عقلانیت جامعه هستند و در لایه

میانی، بین مردم و حکمرانی قرار دارند. نمی‌گویم که

این خدمات‌رسانی ایده‌آل بوده است اما یک عقلانیتی

نیز از طریق کارشناسان و مدیران سطح میانی دولت

نمایان شد که می‌توان به‌عنوان یک سرمایه روی آن

حساب کرد.

هر چند که ما یک تغییر در سیاست ملی لازم داریم

که متاسفانه اصلاً شواهدی برای آن وجود ندارد، در

واقع ما به یک آتش‌بس داخلی و آتش‌بس بین‌المللی

نیاز داریم و الان باید صدای آتش‌بس از ایران برخیزد؛

آتش‌بسی مبنی بر اینکه ما دیگر نمی‌خواهیم جنگیم

و اصلاً به جنگ نیازی نداریم. این همبستگی از نوع

متکثر بود چراکه سیاست‌های زندگی مردم کثرت‌گرا

است و سیاست‌های حکومت هم باید کثرت‌گرایانه

باشد که اینگونه نیست. این شناخت از کجا نشأت

می‌گیرد؟ آیا ما ظرفیت شناختی برای عبور از این

بحران داریم؟ آیا از این بحران راه برون‌رفت وجود دارد

و چه ظرفیت شناختی و ادراکی برای آن وجود دارد؟

این ظرفیت شناختی یا باید از بالا جاری شود، مثلاً

همانطور که رهبری به حسینی‌ه رفتند، همانطور نیز

به صحنه بیایند. ژاپن در جنگ جهانی دوم شکست

خورد، اما دیگر به دنبال خون‌خواهی نرفت؛ گفت



می‌خواهم صلح کنم و زندگی کنم و شروع کرد به تغییر و یک عقلانیتی در آن بود که این کار انجام شد. آیا در ایران این عقلانیت وجود دارد که تغییر شروع شود؟ آیا آتش‌بس داخلی اعلام می‌شود؟ مبنی بر اینکه ما با مردم بی‌خود جنگیدیم، با سرمایه‌گذار و بازاری و نخبه و نسل‌ها جنگ کردیم و وقت آن است که نگاه امنیتی به رسانه‌ها و نهاده‌های مدنی کنار گذاشته شود. اما من شواهدی در این مورد نمی‌بینم و ای کاش اینگونه نباشد و از بالا دچار تغییرات شویم و از ظرفیت‌های ملی استفاده کنیم و به موقع تغییرات را قبل از اضمحلال رقم بزنیم. با چنین شرایطی چراکه اگر تغییر رخ ندهد ایران خیلی ضرر می‌کند. اگر تغییرات از بالا رخ ندهد، از پایین شروع خواهد شد که به نظرم سطح پایین کار خود را شروع کرده است و سه دهه است که تغییر می‌خواهد؛ آن هم یک تغییر عقلانی. از نظر من انقلاب در عقلانیت و دانش ضمنی جامعه ایران جایی ندارد و مردم به نوعی معتقدند که باید با ملاحظات فنی پیش رفت. مردم می‌دانند که اگر شرایط در قالب انقلاب به هم بریزد مانند سال ۵۷ نیست که به سادگی ساخته شود. مردم از پایین شروع کردند، اما اجازه نمی‌دهند پیش بروند؛ مثلاً کاسبان تحریم الان غوغا ایجاد می‌کنند و تولید خشونت می‌کنند. الان از همبستگی اجتماعی هم یک روایت فیکتوریال، آیینی، نمایشی و مذهبی توصیف می‌شود. مثلاً می‌گویند ایران عاشورایی، در حالی که عاشورا یکی از نمادهای این سرزمین است و ما می‌خواهیم از همبستگی هم یک روایت نمایشی ایجاد کنیم. نظام جهانی هم اجازه این تغییر را نمی‌دهد. از نظر من هیچ‌وقت نظام جهانی اجازه نداده است که در ایران یک تغییر پاکیزه از درون ملت جلو برود. یعنی مدام این بازی مردم را به هم زده است. اما قدرت‌ها و رانت‌ها و انحصاراتی که در ایران است تولید غوغا و خشونت می‌کنند و اجازه نمی‌دهند جنبش اجتماعی مردم و اراده معطوف به تغییر به شکل مدنی، محلی، انواع ظرفیت‌های صنفی و حرفه‌ای پیش برود. اما حالت سوم یک حالت میانی است. من همچنان در ایران یک ظرفیت میانی می‌بینم که نمی‌گذارار فروپاشی در ایران اتفاق بیفتد؛ بدین معنی که ظرفیت میانی حتی هر تغییری در سطح سیاسی صورت بگیرد این ظرفیت میانی می‌تواند این سرزمین را حفظ کند که در جنگ دوازده‌روزه نیز همین ظرفیت میانی را داشتیم. حالا باید بحث کرد که در دوره پساجنگ چگونه باید این ظرفیت میانی جامعه را فعال کرد. باید از این ظرفیت پشتیبانی و کمک کرد و آن را توسعه داد که بتواند آن ظرفیت شناختی، ادراکی و ظرفیت عاملیتی جامعه، کنشگری اجتماعی را در این دوره بسیار پر خطر مدیریت کند چراکه نه‌چندان امیدی است که از بالا اتفاقی رخ دهد و نه صرفاً از طریق خیابان و پایین میسر است. زیرا از یک طرف این اجازه را نخواهند داد و از طرف دیگر مردم نیز به یک عقلانیتی رسیده‌اند که نمی‌شود همه چیز را در خیابان حل کرد. بلکه در کنار این خواست تغییر در جامعه و ظرفیت‌های شناختی که در لایه‌های میانی وجود دارد، به نظر می‌رسد باید تلاش کنیم تا روی سرمایه‌گذاری‌های مدنی، سمنی، حرفه‌ای، صنفی، محلی، همبستگی‌های همسایگی ... بیشتر صحبت شود؛ برای نمونه در زمینه دیپلماسی چه ابتکاراتی در نظر گرفته شود چراکه رئیس‌جمهور به تنهایی نمی‌تواند کاری کند. تمام تلاش آقای پزشکیان در گفت‌وگوی اخیر با کارلسون را دیدیم؛ ساختار بیش از این اجازه نمی‌دهد که یک رئیس‌جمهور سخن بگوید. سقف ریاست‌جمهوری در این حد است که بگوید ما خواهان جنگ نیستیم اما باید آن ظرفیت‌های میانی را به گونه‌ای فعال کنیم که برای مثال مهارت‌های دیپلماسی جدید ارائه شود. باید روی ظرفیت‌های شناختی که در جامعه وجود دارد تمرکز کرد و روی همبستگی خلاقیتی که بتواند تغییر را مدیریت کند دست گذاشت و تغییر ایجاد کرد. بعلاوه اینکه چطور در این ایام می‌شود صدای رادیکال‌ها و تندروها را مدیریت کرد نیز بحث دیگری است که باید به آن پرداخت. در مجموع به نظر من یک امید آگزیستانس وجودی دارم اما چشم‌انداز بسیار مهیبی پیش روی خود می‌بینم که هزینه بزرگی برای این سرزمین ایجاد می‌کند و ممکن است مردم برای تاوان این هزینه‌های بزرگ متحمل خسارت شوند.

احزاب

وقتی پای ایران در میان است

نشست وزیر کشور با «احزاب و فعالان سیاسی با موضوع تحولات اخیر کشور» برگزار شد. در این نشست جمعی از چهره‌های سیاسی از جمله سیدمحمدرضا خاتمی، جواد امام، حسین مرعشی، محسن هاشمی، محمدرضا باهنر، علی مطهری، محمدسالاری، محمود واعظی، احمد زیدآبادی، محمدعلی ابطی، غلامعلی حدادعادل، اسدالله‌بادامچیان و غیره نیز حضور داشتند و دیدگاه‌های خود را بیان کردند. تاکید بر اصلاح برخی روش‌های حکمرانی، حفظ انسجام ملی، اتحاد اقوام، مذاهب و گروه‌های سیاسی، لزوم شمول همه ایرانیان در دایره سیاسی، اجتناب از دوقطبی‌سازی ایرانیت و اسلامیت، لزوم استفاده از ظرفیت همدلی ایجادشده پس از تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی، شناسایی جنبه‌های مختلف نفوذ، برداشتن فیلترینگ، خارج کردن کشور از تعلیق روانی، قدردانی از تلاش‌ها و برنامه‌های دولت و نیروهای مسلح در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، لزوم نگاه آسیب‌شناسانه و شناسایی نقاط ضعف، لزوم تغییر رویکرد اجتماعی و حفظ بیش ازپیش کرامت مردم از جمله محورهای مطرح‌شده در این نشست بود. در بخشی از این جلسه اسکندر مومنی، وزیر کشور گفت: «این جلسه با دو هدف اصلی، یعنی قدردانی از همبستگی و یکپارچگی ایجادشده در برابر تجاوز دشمن و لزوم حفظ و ارتقاء این انسجام برگزار شده است». وی در ادامه درباره جنگ پیش‌آمده گفت: «برنامه‌ریزی دشمن در دو محور بود؛ محور اول، دامن‌زدن به نارضایتی‌های مردم و تحریک اعتراضات مردمی و دیگری ایجاد ناامنی از طریق مرزها و گروه‌های ضدانقلاب؛ اما مردم عزیز ما با وجود برخی گرایه‌مندی‌ها و مشکلات، با همه وجود انسجام خود را نشان دادند. در جلوگیری از ایجاد ناامنی، هم‌دستگاه‌های امنیتی، هم‌نیروی انتظامی و هم‌دولت اقدامات موثری انجام دادند؛ رویکرد دولت وفاق ملی در جنبش‌ها و انتصابات، به‌ویژه در استان‌های حساس برای ایجاد زمینه انسجام ملی بسیار موثر بود». وزیر کشور تصریح کرد: «میزان ناامنی‌های عمومی در برخی استان‌های حساس کشور در مدت جنگ تحمیلی ۱۲ روزه حتی نسبت به مدت‌های پیش از آن کاهش محسوسی یافت و این نتیجه رویکرد دولت در استفاده از همه ظرفیت‌ها و ایجاد فرصت برابر برای همه اقوام و گروه‌ها بود.» وی ضمن تاکید بر حساب ویژه‌ای که رژیم صهیونیستی بر ناآرامی‌های داخلی باز کرده بود، گفت: «از حملات هدفمند به مراکز پلیس و زندان مشخص بود هدف دشمن، ایجاد ناآرامی داخلی و ایجاد بی‌ثباتی است اما دولت با تقسیم کار مناسب و برنامه‌ریزی دقیق، آرامش را حفظ کرد؛ در همین راستا خدمات عمومی و رسیدگی به نیازهای فوری در اولویت قرار گرفت.» وی در خصوص عملکرد دولت و استانداران گفت: «وزار در مرکز و استانداران در استان‌ها از نخستین ساعات پس از حمله، فعال شدند؛ جلسات شورای تأمین و ستاد تنظیم بازار برگزار شد و همه مسئولان با روحیه‌ای بالا در صحنه بودند.» وی با اشاره به وجود برخی اختلاف‌نظرها در مسائل اجتماعی گفت: «وقتی پای ایران در میان است، مردم با یکپارچگی واکنش نشان می‌دهند؛ این روحیه در موسیقی، فرهنگ، تاریخ و ادبیات ما نیز تجلی دارد. بسیاری از قطعات موسیقی میهنی نیز بارها شنیده می‌شود و همچنان حس تازگی و امید می‌دهد.» وزیر کشور در پایان با بیان اینکه رژیم صهیونیستی به تعهدات خود پایبند نیست، گفت: «نیروهای مسلح در اوج آمادگی هستند اما حفظ همبستگی اجتماعی ضروری و بر عهده ما است.»

در ادامه جلسه علی زینی‌وند، معاون سیاسی وزیر کشور نیز در این نشست گفت: «رویکرد دولت از ابتدا بر مبنای وفاق ملی شکل گرفته‌است، این نگاه بیش از وقایع اخیر هم وجود داشته و دولت بر اصول تعامل و همفکری با همه گروه‌ها و صاحب‌نظران پایبند بوده‌است.» وی افزود: «از ابتدای دولت تاکنون جلسات متعددی با احزاب و دانشگاهیان برگزار شده و ما خود را در بسیاری از زمینه‌ها ملزم به استفاده از نظرات دلسوزانه و کارشناسانه احزاب دانسته‌ایم.» زینی‌وند با اشاره به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، گفت: «همان روز اول، وزیر کشور دستور داد که در راستای انسجامی که در کشور به وجود آمده، برنامه‌ریزی صورت بگیرد و نظرات دلسوزانه گروه‌ها، مردم، دانشگاهیان و نخبگان اخذ شود تا بتوانیم این انسجام ملی را حفظ و تقویت کنیم.» معاون سیاسی وزیر کشور تأکید کرد: «وزارت کشور به دنبال فهم درست و واقعی از شرایط فعلی کشور و انسجام‌شکل گرفته‌است. تبیین این انسجام نباید با اقمیت‌دل مردم در تضاد باشد؛ مردمی که مقابل تجاوز رژیم صهیونیستی ایستادند نشان دادند که مهم‌ترین مؤلفه قدرت ما هستند.» وی خاطرنشان کرد: «هر زمان که دشمن احساس کرده فاصله مردم با ساختار سیاسی کشور زیاد شده، طمع کرده است. تجاوز اخیر نیز بر اساس همین طمع و برداشت غلط از هویت ایرانیان انجام شد. ما باید رو به آینده نگاه کنیم. البته همه ما، چه در تحلیل، چه در عملکرد و چه در رفتار با مردم، باید شجاعت پذیرش اشتباهات مان را داشته باشیم.»